

## مدیریت ریسک در سرمایه گذاری :

بدون شک در یک سرمایه گذاری موفق سه عامل نقش کلیدی و موثری دارند . این سه عامل روانشناسی و خود شناسی در انجام معامله ، مدیریت ریسک در سرمایه گذاری و تحلیل ورود و خروج در معاملات می باشد. اکثر فعالین موفق نقش دو فاکتور اول یعنی روانشناسی فردی در انجام معاملات و مدیریت سرمایه و میزان ریسک در معاملات مالی را با اهمیت تر از تحلیل موقعیت های بازار می دانند.

به طور مثال اگر کسی تحلیل صحیحی نسبت به شرایط ورود به یک معامله دارد اما بدلیل ترس یا وسواس آن موقعیت را از دست می دهد و یا پس از دریافت سود مورد نظر در تحلیل بدلیل طمع ورزی از معامله خارج نمی شود و سود بدست آمده از دست می دهد دلیل آن عدم شناخت صحیح از روانشناسی فردی در انجام معامله است.

در مورد نداشتن مدیریت صحیح ریسک در سرمایه گذاری نیز به مثال زیر دقت فرمایید :

یک تحلیلگر بسیار کار کشته را در نظر بگیرید که نسبت معاملاتی که وی با سود از آنها خارج می شود به معاملاتی که ضرر را شناسایی می نماید ۹ به ۱ می باشد . اگر این تحلیلگر مدیریت ریسک خود را براساس ریسک حداکثر و سود حداکثر در نظر بگیرد چه خواهد شد؟

ریسک حداکثر در مقابل سود حداکثر یعنی در هر معامله امکان از دست رفتن کل سرمایه در مقابل شناسایی سودی بیش از میزان سرمایه گذاری می باشد . در ادامه با فرض آنکه وی با ۱۰ دلار وارد سرمایه گذاری شده است و در مقابل ریسک حداکثر ، سودی به اندازه موجودی ( ۱۰۰٪ موجودی ) بدست می آورد شرایط را پیگیری خواهیم کرد :

نتیجه : میزان سرمایه ۲۰ دلار

معامله اول : تحلیل بسیار خوب و یک معامله سود آور

نتیجه : میزان سرمایه ۴۰ دلار

معامله دوم : تحلیل بسیار خوب و یک معامله سود آور

نتیجه : میزان سرمایه ۸۰ دلار

معامله دوم : تحلیل بسیار خوب و یک معامله سود آور

.  
.  
.

نتیجه : میزان سرمایه ۵۱۲۰ دلار

معامله نهم : تحلیل قوی و یک معامله سود آور دیگر

نتیجه : میزان سرمایه صفر دلار

معامله دهم : تحلیل قوی است اما روند بازار بر خلاف انتظار است

همانگونه که در مثال بالا مشاهده نمودید . شخص تحلیلگر در نبود یک سیستم صحیح در کنترل و مدیریت ریسک همواره در معرض از دست دادن سرمایه و سود های بدست آمده قرار دارد .

در بازار های مالی که برای حساب ها اهرم معاملاتی ( leverage ) در نظر گرفته شده است ، اهمیت در نظر داشتن مدیریت ریسک در سرمایه گذاری بیشتر می باشد . بازار های مالی بین الملل اهرم های بالایی دارند و این اهرم ها در حال حاضر می تواند بین ۵۰ تا ۲۰۰۰ برابر سپرده حساب افراد باشد.

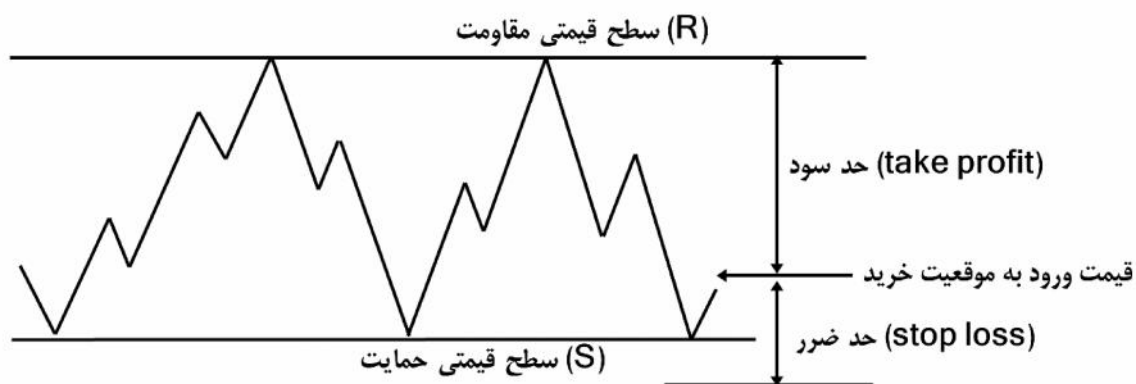
در این بازار ها برای یافتن حجم مناسب سرمایه گذاری در هر موقعیت ( lotage ) برای یک ریسک مناسب باید چند نکته را آموخت . در ادامه این نکات و تعاریف را خواهیم دید .

### تعریف حد سود و حد ضرر :

در یک تحلیل کامل چه این تحلیل از روش فنی و تکنیکال باشد و چه از روش بنیادی یا فاندامنتال و یا از هر اصول و ترکیبی که برای تحلیل استفاده نماییم سه فاکتور باید در نظر گرفته شود . فاکتور نخست شرایط و نشانه ها ( سیگنال ها ) ی ورود به یک معامله یا موقعیت ( پوزیشن ) می باشد. فاکتور دوم قیمت و سطح مورد نظر برای خروج از معامله در زمانی که معامله در جهت مد نظر تحلیلگر حرکت نموده است می باشد که به آن حد سود ( take profit ) گفته می شود.

فاکتور سوم قیمت و سطح مورد نظر برای خروج از معامله در شرایطی که معامله در خلاف جهت مورد نظر تحلیلگر حرکت نموده است می باشد که به آن حد ضرر ( stop loss ) گفته می شود.

در مثال زیر این دو فاکتور نشان داده شده است :



همان گونه که در شکل نمودار بالا مشاهده می شود تحلیلگر بجز یافتن قیمت ورود ، قیمت های خروج از موقعیت در سود و زیان را بررسی و مشخص نموده است.

### تعریف نسبت خطر به پاداش ( Risk to Reward ) :

اگر از شما خواسته شود که در یک فعالیت خطرناک شرکت کرده و دستمزد یا جایزه ای آن را مبلغ  $a$  در نظر بگیرند و در صورت از دست رفتن نتیجه یا سلامتی شما مبلغ  $b$  را برای جبران موقعیت یا سلامتی باید هزینه نمایید. منطقی آن است که مبلغ  $a$  بیشتر از مبلغ  $b$  باشد. ضمن اینکه باز هم منطقی این است که امکان حصول نتیجه منجر به جایزه نیز بیشتر باشد.

به نسبت مبلغ  $b$  به مبلغ  $a$  نسبت RR یا Risk to Reward گفته می شود.

$$RR = \frac{\text{زیان احتمالی در یک معامله}}{\text{عایدی یا سود احتمالی در یک معامله}}$$

$$RR = \frac{\text{حد ضرر ( stop loss )}}{\text{حد سود ( take profit )}}$$

همان گونه که مشخص است این نسبت در هر معامله و فعالیتی زمانی مناسب است که حاصل عددی کوچکتر از ۱ باشد مثلاً برخی فعالین نسبت های ۱ به ۲ یا ۱ به ۳ را مناسب می دانند. البته در نظر گرفتن نسبت RR بستگی زیادی به نسبت معاملات موفق به ناموفق تحلیلگر دارد و هر تحلیلگری باید با توجه به سیستم معاملاتی و آمار معاملات موفق به ناموفق خود نسبت مناسبی را در نظر بگیرد.

## میزان ریسک در معاملات :

هر تحلیلگر بر اساس حد ضرر ( stop loss ) و میزان سرمایه موجود در حساب ( deposit ) باید حجم معاملات ( volume ) خود را تعیین نماید. برای تعیین حجم معامله که در اصطلاح به آن لاتینج ( lotage ) نیز گفته می شود ، نیاز است که میزان ریسک یا خطر در هر معامله قبلا مورد بررسی قرار گرفته باشد و فعال مالی یا تحلیلگر برنامه مشخصی برای تعیین حجم معاملات داشته باشد .

برای جبران پذیر بودن زیان ها و خطراتی که احتمال ایجاد آنها در هر معامله ای می رود ، پیشنهاد این است که میزان ریسک مالی در هر معامله معادل ۲ الی ۳ درصد کل موجودی سرمایه در حساب مالی ( account ) باشد.

برای تحقق این امر می توان از روش زیر برای بدست آوردن حجم معامله بهره برد :

- ۱- تعیین حد ضرر ( stop loss ) معامله از راه های تحلیلی مورد نظر
- ۲- تعیین میزان ریسک قابل قبول در معامله با توجه به درصد ریسک مورد نظر
- ۳- تعیین حجم معامله با معادل سازی دو فاکتور بدست آمده